

## مقدمه سوم) قصد قربت چیست؟

مرحوم عراقی ابتدا درباره قصد قربت می نویسد که مقرب بودن یک عمل، گاه به نحو اقتضاء است و گاه به نحو فعلیت:

«إن بناء الأصحاب ليس على الاكتفاء في العبادات بمجرد كونها [مقتضيات] للقرب و لو لم [تكن] [مقربات] فعلا و لو لنهاى عرضى متوجه [إليها] بشهادة أعلى صوتهم بفساد العبادة في فرض [كونها] ضداً للأهم منها مع الالتزام بأن الأمر [مقتض] للنهى [عن] ضده. إذ مثل هذا الأمر عرضى محض غير مناف لعبادية ما هو مجعول لوظيفة العبودية و لا لمصلحته لو فرض قيامها بنفس ذاته، و إنما هو مضر بقربته.»<sup>۱</sup>

توضیح :

۱. عبادی بودن یک عمل به این نیست که اقتضاء مقرب بودن را داشته باشد بلکه باید «مقرب بالفعل» باشد.
۲. و لذا اگر یک عبادتی، بالعرض منهی عنه واقع شد (به سبب اینکه مزاحم اهم پیدا کرد)، آن را مقرب بالفعل نمی دانند (توجه شود که اگر مزاحم پیش آمد، امر اهم مقتضی نهی از مهم است و لذا مهم که اقتضاء مقرب بودن را دارد، منهی عنه واقع می شود)
۳. این در حالی است که نماز - که مثلاً منهی عنه واقع شده - از عبادت بودن خارج نشده و مصلحت ذاتی را هم دارد ولی اقتضاء مقرب بودن آن، به فعلیت نرسیده است.
۴. [پس از دیدگاه مرحوم عراقی، قصد قربت لازم، قصد قربت فعلی است و نه قصد قربت اقتضایی. اما این قربت فعلی به چه معنی است:]

ایشان بعد از این عبارت، به ۴ معنی برای قصد قربت اشاره کرده می نویسد:

«إذ تارة يتصور القرب بداعى رجحان العمل عقلا المعبر عنه بداعى حسنها المحرز لدى المولى جزما. و أخرى بداعى رجحانه شرعا المعبر عنه بداعى محبوبية العمل لدى الشرع. و ثالثة بداعى إرادتها الفعلية الذى هو مضمون أمره و هو المعبر عنه بداعى أمره. و رابعة بداعى كون مولاه مستحقاً للعبودية مع فرض كون العمل من وظائف العبودية ذاتا [أو] جعلاً. و أما إتيان العمل بداعى تحصل الثواب أو الفرار عن العقاب فلا محيص فى العبادات من سبق داع آخر و إلا فيستحيل إتيانها بهذا الداعى إلا لغفلة و ذهول، و هو ممّا لا يعبأ به.»<sup>۲</sup>

۱. مقالات الأصول، ج ۱، صفحه ۲۳۳

۲. مقالات الأصول، ج ۱، صفحه ۲۳۳



توضیح :

۱. [مكلف بايد در هنگام عمل، «مقرب بالفعل بودن» عمل را قصد کند، اما اين «مقرب بالفعل» به چه معناست؟]
۲. گاه به معنای رجحان عقلی (بالفعل) عمل است که از آن به حسن محرز عمل نزد مولا تعبیر می شود و لذا قصد قربت یعنی قصد حسن محرز.
۳. و گاه به معنای رجحان شرعی عمل است که از آن به محبوبیت عمل نزد شارع تعبیر می شود، و لذا قصد قربت یعنی قصد محبوبیت عمل.
۴. و گاه به معنای اراده فعلی مولا است که باعث شده مولا امر کند، و لذا قصد قربت به معنای قصد امر [داعی] امتثال [امر] است.
۵. و گاهی به معنای آن است که مولا استحقاق عبودیت را دارد (در حالیکه این کار خاص ذاتا (مثل سجده) یا جعلاً (مثل زکات) از وظایف عبودیت است) و لذا قصد قربت به معنای قصد عبودیت است.
۶. اما اینکه قصد قربت را به معنای قصد تحصیل ثواب یا قصد فرار از عقاب بگیریم سخن کاملی نیست، چراکه: وقتی ما می دانیم که ثواب را به «عمل + قصد عبودیت» (مثلاً) می دهند، وقتی قصد ثواب می کنیم قبل از آن قصد عبودیت کرده ایم. پس قصد ثواب به تنهایی محال است مگر اینکه:
۸. توجهی به آن قصد اولیه نداشته باشیم و روشن است که بحث ما در مورد حالت غفلت نیست. ما می گوئیم :

۱) ما حصل فرمایش مرحوم عراقی آن است که:

۱. برای اینکه یک عمل عبادی باشد باید بالفعل مقرب باشد.
۲. مقربیت بالفعل هم آن است که عمل به صورت بالفعل این استعداد را داشته باشد که بتوانیم آن را با قصد قربت اتیان کنیم.
۳. قصدی که لازم است در عمل داشته باشیم. یکی از ۴ فرض ذیل است.
- الف) قصد رجحان عقلی عمل (ب) قصد رجحان شرعی عمل (ج) قصد امتثال امر (د) قصد عبودیت
۴. قصد قربت به معنای تحصیل ثواب نیست چراکه ثواب در جایی است که عمل به یکی از قصدهای ۴ گانه باشد، پس: اگر قصد تحصیل ثواب داریم باید قصد امتثال امر (مثلاً) کنیم و لذا تحصیل ثواب داعی بر داعی است.

۲) فراز چهارم مرحوم عراقی، مصادره به مطلوب است. چراکه اگر کسی گفت اگر عمل با قصد تحصیل ثواب انجام شد، ثواب داده می شود و امتثال شده است و داعی دیگری لازم نیست، در این صورت تحصیل ثواب داعی بر داعی نیست و مصداق قصد قربت است.

